

دکتر ابوتراب نقیسی

رئیس سابق دانشکده پزشکی اصفهان

# شناخت طبیعت و محیط انسان

در این سلسله مقالات ارزنده، کوشش شده است که به شش سوال همیشگی انسانها: «من کجا هستم، من کیستم؟ چگونه ۴۱ و چگونه بوجود آمده‌ام؟»، از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم؟ چرا بوجود آمده‌ام؟ و چه باید بکنم؟» که هر شش سوال فطری هستند، با اتکای به آیات قرآن و تفسیر آن، «تفکر» پاسخ گفته شود. قسمت‌هایی از این مقالات را که جنبه مقدماتی داشته در شماره‌های قبل مطالعه فرموده‌اید اکنون به بنیة بحثها توجه فرمائید! «مکتب اسلام»

رساله جامع علوم انسانی

کست اول - آیات مربوط به تفکر و شناخت طبیعت و محیط انسان

(پاسخ به سوال‌های من کجا هستم؟ کیستم؟)

چهار آیه از ۱۷ آیه تفکر مربوط به این قسمت از شناخت است که بترتیب زمانی

مبارتند از: آیه ۸ روم - ۱۱۴ آیه و آیه ۶۹ نحل و ۳ رعد

الف - آیه ۸ سوره روم: اولم یفکروا فی انفسهم، ما خلق الله السموات

والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى، وان كثيرا من الناس يلقاه بهم لكافرون.

• پس آیا چرا فکرمی کنند پیش خودشان که خداوند پادشاه است آسمانها وزمین و آنچه بین آنهاست را مگر بر پایه حق و مدت معین - و مسلماً عده زیادی از مردم بیدار برورد گارخوبیش کافرند.

فیک از اینکه بشرح مطلب اصلی یعنی موضوع موردتفکر که درباره آن دستور داده شده بپردازیم باید آیات قبلی و بعدی این آیه توجه کنیم تا چگونگی این دستور را بهتر دریابیم:

سوره روم ازسورههای مکی است و با احتمال قوی درسال هفتم بعثت نازل شده و درآن ازغلبه پارسیان بررومیان دوزدیکی های سرحد عربستان (اصطالاشام) و سپس پیشگویی غلبه رومیان برپارسیان صحبت کرده و موافقین را بیاری خداوندی بشارت داده که هم پیمان که این دو قدرت بزرگ را بهم گلاویز کرده و مقدمات فرسایش و ضعف آنها فراهم خواهند شد نیروی ظاهر آکوچک اسلام و باطناً قدرتمندترهنگام پیروزخواهند شد. پس میفرماید این وعده خداست که تخلف پذیر نیست و ازقوانین برحق و مسلم آفرینش است که قدرت های غیرخدائی سیرتحول و صعود و نزول داشته باشند و هیچ قدرتی غیر از قدرت خدای لا یزال و مداوم نخواهد بود و بعد اضافه می کند که این حقیقت را اکثر مردم نمی دانند بلکه فقط ظاهری ازحیات دنیا را می بینند و از دنیای دیگر غافلند - عقشان بیخشان است و از پشت برده و آنچه بحق و طبق سنت جاری طبیعی خداوندی می گذرد و تاریخ را بوجوهی آورد و آمد و رفت قدرتها را دوری قرار میدهد - همه اینها طبق قوانین معین و مسلم است - بی اطلاعات - آنوقت در اینجا بهمین اثربت مردم خطاب میفرماید که چرا پیش خود فکرمی کنید - یعنی باصلاح کلاه خود را تاشی نمی کنید - و درمی یابید که آنچه خداوند درجهان ( اعم از آسمان ها و کرات دیگر زمین و مخلوقات دیگر ) آفریده همگی بر روی دواصل مسلم قرار دارد که یکی بحق بودن آنهاست و دانستن قوانین ثابت و دیگری دوره و عمر معین داشتن آنها ( اجل مسمى ) و هیچکدام از این دو اصل نیز خسته بردار نیست و عام است یعنی غیرممکن است جهان برپایه غیرقانون و حق بگردد و متلاشی نشود و یا موجودی غیر از خداوند موجود باشد و ازلی و ابدی باشد با قدرتی درجهان غیر از قدرت خدائی موجود باشد که دائمی باشد موضوع سومی که باید در آن فکر کرد و آنهم از قوانین مسلم حیات انسانی است آنست که مردم مجدداً محبت میشوند و به اغای پروردگار خویش با تل و این را هم اکثر مردم بدان کافرند.

باز بدنیال این آیات برای اینکه مردم را از فرو رفتن در گرداب ظاهر دنیا و غافل -

ماندن از عاقبت کار بر سفلدار دارد میفرماید چرا در دور زمین گردش نمیکنند تا بتکرند عاقبت کار آنان که قبل از ایشان بوده اند چه بوده - آنان که از نظرتوت و قدرت از اینان برتر بوده اند و در آبادانی زمین و کندو کار کردن بر زوی زمین بمراتب پیش از اینها کوشش کرده بودند و پیامبران از بین آنها مأمور به نشان دادن بینه بآنها شدند ولی آنها خودشان به - خودشان پس از ابلاغ رسالت و دیدن بیانت، ظلم کردند و از حق سربیزی کردند و قوانین الهی را اطاعت نکردند و خداوند بایشان ظلمی روا نداشت و عاقبت آنها که بدی کردند بدتر شد زیرا تکذیب آیات و دلائل واضحه خداوندی را که خودشان و تمام مخلوقات جهان بوده و قوانین و نوامیس الهی را کردند و آنها را مورد استهزاء و مسخره قرار دادند پس اکنون نیز همان سیر تاریخی تکرار خواهد شد یعنی فرستاده شدن پیامبران و رساندن پیام پروردگار و نمایاندن راه و طرز زندگی با سته ( یعنی دلائل واضح و آشکار یا دلائل و برهانهای قطعی ) و بعد قبول نکردن عده ای از مردم و ظلم کردن بنفس خویش و پاداش ظلم را چشیدن که همان عذاب مداوم باشد .

پس مطالعه در این قوانین برای شناخت نوامیس طبیعی و الهی و تفکر در آنها اولین قدم در راه شناخت محیط زندگی یعنی جهانیت که مادر آن هستیم که ما با آنچه مشا و ما گذشت دیگر بازی بیفصل بیشترند تا به چون خود آیات روشنتر حقایق و نحوه و محتوای تفکر برای يك انسان عاقل باشد خواهان حق میباشد .

بطور خلاصه آنچه از گروه آیات فوق استنباط میشود و باید دستور العمل تفکر قرار گیرد چنین خواهد بود :

۱- اکثر مردم فقط ظاهری از زندگی دنیائی را می بینند و از آنسوی ظاهر دانشی ندارند و غافلند .

۲- از بی بردن آنسوی ظاهر هیچ خود فکر کردن است درباره مخلوقات یعنی موجودات این جهان که حران زندگی میکنند تا در قانون اصلی جهان را درک کنیم که یکی بحق بودن همه قوانین طبیعی است که از میزان خود تجاوز نه بکند و معرفی نمیشود و دیگر محدود بودن زمان همه موجودات است و این مسئله نه فقط شامل عمر موجودات میشود که همه يك سره زادن - رشد کردن - کمال و مرگ دارند بلکه شامل همه پدیدههای دیگر مانند جامهها - تمدن ها - قدرت ها - ملک ها و غیره نیز هست و فقط يك قدرت حاکم بر جهان باقیست که آن قدرت و ملک خداوندی است .

۳- سیر تکامل انسان رو به کمال و زندگی جاوید در جوار رحمت الهی است و نشانه آنست که زندگی انسان با مرگ دنیائی پایان نمی پذیرد و دائماً رو به خدا میرود .

شکاه علوم انسانی و مطالعات  
رتال جامع علوم انسانی

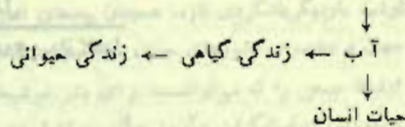
۴- علاوه بر تفکر در موجودات و سیر زندگی آنها و قوانین حاکم بر آنها سیر در تاریخ و جغرافیای جامعه‌های انسانی نیز ضروری است که همان قوانین حق و اجل مسمی در باره آنها نیز صادق است و هر چه قدر تمدن و صاحب تمسک باشند و تمدن آنها پیشرفته‌تر باشد روزی رو بزوالم خواهند رفت و علت زوال آنها در درون خود آنهاست که به دلایل و نشانه‌های منطقی و آیات و بینات پیامبران یعنی هادیان بشری برآه راست، گوش دل فرامیدهند و در نتیجه بغویشتن ظلم می‌کنند که منجر به عواقب ظلم می‌شود که گرفتاری و نزول بلاهای جسمی و روانی و غیره باشد - نتیجه آن که آیات خداوندی و راه حق آشکار و نمایان و قابل فهم و درک و قابل عمل است و طبق قانون دیگری که آنها ثابت است هر که دانسته و فهمیده از حق امرش کرد و بخواهد ظلم نمود نتیجه آن گریبانگیرش خواهد شد زیرا ناموس الهی است که ظلم انحراف از جاده حق است « و الملك لا یبغی مع الظلم » ملك با ظلم باقی نمی‌ماند .

\* \* \*

ب - آیه « ۱۱ » نحل و ۱۰ قبل از آن - هوالذی انزل من السماء ماء لکم منه شراب و منه شجر فیه تسمیون - ینبت لکم به الزرع والزیتون والنخیل والاعناب و من کل الثمرات - ان فی ذلک لایة القوم بتفکر و « یعنی اوست خدائی که فرو فرستاد برای شما از آسمان آب را که از آن برای خودتان نوشیدنی تهیه می‌کنید (می‌نوشید) و از آن درخت بوجود می‌آید که در آن (حیوانات خود را) بچرانید - (بوسیله آن آب) می‌رویانید برای شما کشت و ذرع را و (درختان) زیتون و خرما و انگور و هر گونه میوه‌ای - محققاً در این باره آیه ای است برای مردمی که تفکر می‌کنند - و بدنیال ذکر چند آیه دیگر که در باره تسهیلات زندگی انسان و وسائلی که برای او فراهم آمده در آیه ۱۸ می‌فرماید « و ان تعدوا نعمت الله لاتحصوها - ان الله لَغفور رحیم یعنی اگر نعمت‌های خدا را بشمارید نمیتوانید آنها را بشمار آورد - خدا بسیار آمرزنده و مهربان است .

پس از آنکه در سلسله آیات پیش گفته انسان را بتفکر در چند قانون تعبیر ناپذیر طبیعت که در ضمن درباره خود انسان و اجتماع او نیز صادق بوده و داشتند در این دسته از آیات ما را به تفکر در مظاهری دیگر از طبیعت و شناخت آنها و مدلول و آن توجه به مشنات است و آنچه ما امروز بنام مدار حیات بنا می‌کنیم زندگی می‌نامیم - خوب توجه کنید با چه بیان شیوا و کوتاه این دایره را تعریف می‌کنند :

بارش باران یا برف از آسمان



و در آیات دیگر بخدمت و اداشتن کلیه عوامل طبیعی مانند خورشید و ماه و ستارگان و زمین و هر چه در آنست و دریا و هر چه در آنست و کوه‌ها و دشت‌ها و همه و همه را - برای انسان و ادامه زندگی آن بیان کرده و انسان را بتفکر در آنها خوانده است. و ه که چقدر بی‌پایان است نعمت‌های خداوندی بانسان !!! - این انسان غافل ظاهریست مغرور هوا و هوس خویش - پس با تفکر در این آیه بیک اصل مهم علمی دیگر زیست میرسیم و آن اینکه آب منشأ زندگی است و جعلنا من الماء کل شیء حی (۳۰ انبیاء) که « قرار دادیم هر چیز زنده‌ایرا از آب » - یعنی عبارت دیگر منشأ زندگی همه موجودات روی زمین از آب است و آب نیز از هوا فروریخته (چه در زمان گذشته و شکل گرفتن زمین و بوجود آمدن دریاها و اقیانوس‌های اولیه و چه در زمان حال یعنی پس از شکل گرفتن زمین که بصورت باران و برف و ریزش‌های آسمانی بر زمین می‌بارد و رودها و چشمه‌ها را بوجود می‌آورد و دریاها را پر آب میکند ) .

و در اینجا متوجه می‌شویم که یکی از پاسخ‌های مربوط به سؤال دوم یعنی من کیستم؟ نیز داده شده و آن اینست که منشأ تو ویا یکی از مواد اولیه وجود تو و عامل بقای تو « آب » است و شناختن این عامل طبیعی یکی از پایه‌های دانش بشری است.

